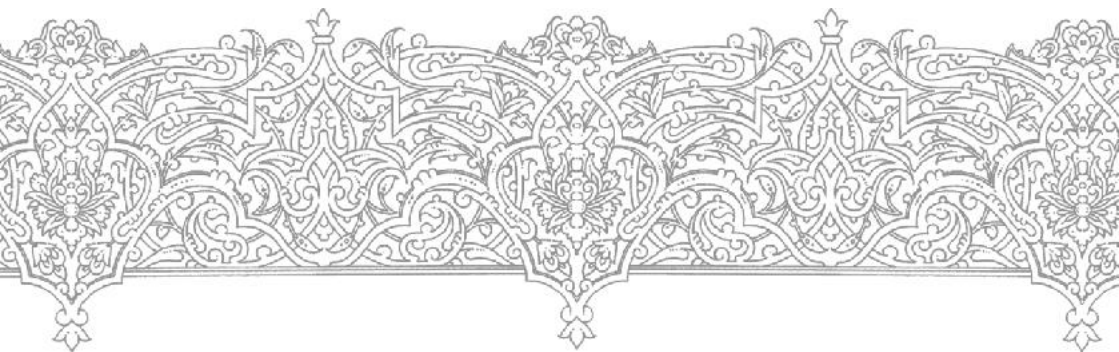




وحدت‌گرایی اسلامی در اندیشه شیعه اصولیه

الکوی از جریان اعتدالی شیعه با تکیه بر کتاب النقص عبدالجلیل قزوینی رازی

دکتر علی معموری



مقدمه

ادیان ابراهیمی، در سیر تاریخی پیدایش و شکوفایی‌شان، می‌توانند در سه مرحله طبقه‌بندی شوند:

۱. نبوت‌های خانوادگی، که پیامبری حضرت آدم، نوح، ابراهیم و... را تا پیش از حضرت موسی شامل می‌شود؛

۲. نبوت‌های قومی که پیامبران بنی اسرائیل را در بر می‌گیرد؛

۳. نبوت‌های جهانی، که مسیحیت و اسلام، با گذر از قومیت اسرائیلی و عربی، به سرحد آن رسیدند. (۱)

دین اسلام با تنوع‌پذیری بسیار و برخورداری از جاذبه‌های انسانی و جهانی، و نه صرفاً قومی و نژادی، زمینه مناسبی برای ایجاد هم‌گرایی در میان پیروان خویش دارد؛ همان‌گونه که توماس آرنولد به موارد متعددی از این جاذبه‌ها توجه کرده است. (۲) بنابراین، هرچند این دین نیز به‌طور طبیعی، شاهد تقسیمات و تفرقه‌های بسیار بوده است، همواره عناصر هم‌گرایی را در خویش حفظ کرده است.

وحدت اسلامی، امروزه در برابر دو خطر بزرگ قرار دارد:

۱. رویکردهای سکولار و لائیک، که در جوامع اسلامی، در مسیر ایجاد وحدتی جهانی یا قومی - در برابر وحدت اسلام - گام برمی‌دارند. احزاب ملی‌گرا و تمایلات جهانی‌سازی در قلمرو گسترده جهان اسلام، به‌رغم افت و خیز بسیار، هنوز رونق قابل توجهی داشته و مانع بزرگی در برابر ایجاد و بازسازی وحدت اسلامی به شمار می‌روند.

۲. رویکردهای فروکاهنده وحدت اسلامی بوحث طایفه‌ای و مذهبی، که نمود روشن آن در گرایش‌های افراطی سلفی‌گری در میان اهل سنت، و غلو شیعی‌گری در جوامع بسته شیعی و برخی عوام شیعی به چشم می‌خورد. در این میان، سه گونه مختلف از جریان‌های وحدت‌گرایانه در تاریخ جهان اسلام قابل شناسایی است:

نگاه ناکتیک و سیاسی به مقوله وحدت

حاکمان و سیاستمداران معمولاً به‌هنگام رویارویی با دشمنان خارجی یا بحران‌های اجتماعی به مقوله وحدت می‌اندیشیدند. این وحدت تنها تا زمانی که منافع داعیه‌داران آن را برآورده سازد، استمرار می‌یابد و هرگز به صورت یک جریان اصیل اجتماعی و فرهنگی رخ نمی‌نماید. سیاست‌های وحدت‌گرایانه سلجوقیان، (۳) تلاش‌های سلطان سلیم و سپس عبدالمجید عثمانی، (۴) دعوت تقریب نادرشاه افشار (۵) و... نمونه‌های روشنی از این قبیل هم‌گرایی‌ها هستند.

رویکرد عقیدتی و مبتنی بر پایه‌های کلامی

این رویکرد از سوی مجامع علمی و حوزه‌های فرهنگی مذاهب مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. البته عوامل اجتماعی و سیاسی نیز در شکل‌گیری و تقویت این رویکرد بی‌تأثیر نیست و در دوره‌های مختلف اسلامی،

جریان‌های اصلاح‌طلب و با رویکرد بیشتر عقل‌گرایانه، نمایندگان این رویکرد هستند. سید مرتضی با تلاش برای به رسمیت شناساندن مذهب جعفری به عنوان مذهب پنجم (۶)، شخصیت مورد نظر این نوشتار در تألیف کتاب نقض، و سید جمال‌الدین اسدآبادی (۷) و شیخ محمود شلتوت (۸) در دوره جدید، نمونه‌های بارزی از این جریان هستند.

بینش عرفانی به دین و مذهب

بسیاری از عارفان مسلمان با صرف‌نظر کردن از اختلافات عقیدتی و فقهی مذاهب، و حتی گاه ادیان، در مسیر اعتقاد به نوعی تکثرگرایی دینی گام برداشته‌اند و گونه‌ای وحدت را در این سیر نشانه گرفته‌اند. این شعر معروف ابن عربی:

لقد صارَ قلبي قابلاً كلَّ صُورَةٍ ... فمرعى لـغزلانٍ وديراً لرهبان
وبيتاً لأوثانٍ وكعبةً طائفٍ ... وألواحُ توراةٍ ومصحفُ قرآن
أدينُ بدينِ الحسبِ أنى توجَّهتُ ... ركائبهُ، فالحبُّ دينى وإيماني (۹)

و داستان معروف «انگور و عنب و آزوم» (۱۰) در اشعار مولوی، نمونه‌های روشنی از این بینش هستند. در حوزه تشیع، نمونه‌های فراوانی از حفظ و تقویت وحدت اسلامی، در سیره امامان شیعه به چشم می‌خورد. صرف‌نظر کردن امام علی علیه‌السلام از حق خلافت در جریان سقیفه و شورا، و تن دادن به جریان حکمیت به‌رغم اعتقاد به حقانیت موضع خویش؛ کناره‌گیری امام حسن علیه‌السلام از منصب خلافت، که آن را حق شرعی و عرفی خویش می‌دید؛ مبارزه اسلام‌محورانه امام حسین علیه‌السلام که شعارهای اساسی آن را دعوت به آموزه‌های اساسی دین تشکیل می‌داد و از آثار مذهب و فرقه‌گرایی تهی بود؛ عدم دخالت امامان بعدی در جناح‌بندی‌های سیاسی و تأکید آنان در اندماج شیعیان در جماعت مسلمانان در عین حفظ کلیت شیعی، که در عباراتی همچون «اقرؤوا کما یقرأ الناس» (۱۱) در عرصه قرائت قرآن نمود یافته است و... همگی تأییدی بر این ادعا می‌باشند. در این بحث، با صرف‌نظر از جنبه‌های کلامی مسئله، درصدد معرفی دیدگاه وحدت‌گرایانه شیعه اصولیه، با تأکید بر کتاب نقض عبدالجلیل قزوینی رازی، از شخصیت‌های بارز این جریان برآمده‌ایم؛ جریانی که در اثر عوامل مختلفی در سده‌های بعد، استمرار چندانی در حوزه‌های علمی شیعیان نیافت و در نتیجه، در میان شیعیان آشنایی چندانی با آن به چشم نمی‌خورد. کتاب ارزشمند بعضی مطالب النواصب فی نقض بعضی فضائح الروافض، معروف به کتاب نقض گنجینه‌ای گران‌بها از ادبیات، تاریخ، کلام، فرق، حدیث، انساب، رجال و جغرافیای سیاسی مذهبی ایران است که تنها گزارش‌هایی از آن در مجالس المؤمنین سیدنورالدین شوشتری در دسترس بود؛ تا آن که نسخه‌ای از آن با تلاش مرحوم قزوینی و مرحوم اقبال آشتیانی یافت شد و با زحمات طاقت‌فرسای محدث آرموی، نسخه‌های دیگری از آن به دست آمد و تصحیح

و منقح گشت. همچنین وی در دو جلد تعلیقات خویش بر این کتاب، توضیحات و تکمله‌های ارزشمندی بر مباحث آن افزوده است.

داستان تألیف کتاب، به تقریر نویسنده آن، از این قرار بوده است: «در ماه ربیع ۵۵۶ به ما نقل افتاد که کتابی به هم آورده‌اند «بعض فضائح الروافض» و در محافل بر طریق تشنیع خواندند... دوستی مخلص نسختی از آن را به امیر سید رئیس کبیر جمال‌الدین علی بن شمس‌الدین حسینی، که رئیس شیعه است، برد و او مطالعه کرد به استقصای تمام و پیش برادرِ مهترم، اوحدالدین حسینی، مفتی و پیر طایفه، فرستاد و از من پوشیده داشتند؛ از خوف آن که مبادا در جواب و نقض آن تعجیلی کنم. مدتی دراز شد که من طالب آن نسخه، و خود ندانستم که گروهی از علمای هر طایفه، به استقصای تمام، تفحص اوراق آن نموده‌اند و استبعاد و تعجب نموده‌اند که اصول و فروع مذاهب بر علما و فضلا پوشیده نباشد و شتم و لعن و زور و بهتان، در کتب، معتاد و معهود نبوده است بی‌دلیل و الزام. و در اثنای آن، مؤلف حوالاتی و اشاراتی به متقدمان امامیه اصولیه کرده که بهری از آن مذهب غلاۀ و اخباریه و حشویه است علی اختلاف آرائهم، و نفی و تبرا از آن و از ایشان در کتب اصولیان اثناعشریه ظاهر است و بعض خود وضع و تمویه، که مذهب کسی نبوه و سه نسخت کرده، یکی به خزانه امیرک معروف و دیگری مصنف می‌دارد و در خفیه بر عوام‌الناس می‌خواند و نسختی از آن نقل کرده به قزوین، که هرگز علمای منصف بدان مقام نکنند مگر سب تهییج عوام‌الناس و آلت‌پای خوانان و دست‌آویز فتنان» (۱۲)

مؤلف کتاب نقض در دوره پایانی حکومت سلجوقیان می‌زیسته و کتاب خود را در نیمه قرن ششم (حدود ۵۶۰ ه.ق.) نگاشته است. او از سوی بیشتر سیره‌نویسان، فهرست‌نویسان و علمای بزرگ شیعه، همچون منتجب‌الدین رازی در الفهرست، قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین، افندی در ریاض العلماء، مجلسی در بحارالانوار، محقق تهرانی در الذریعه و سیدمحسن امین عاملی در اعیان‌الشیعه، توثیق و تجلیل شده است. (۱۳)

در دوره حیات او، جامعه اسلامی شاهد تهاجم‌های متعددی از شرق و غرب جهان اسلام بوده است. هجوم صلیبیان از غرب و حملات پیاپی ترکان از شرق، ثبات و آرامش را از جامعه اسلام ربوده بود. نهاد خلافت، به عنوان نماد وحدت سیاسی مسلمانان، عملاً فروپاشیده و غیر از تفکیک سلطنت از خلافت، سه دستگاه خلیفه‌گری (عباسیان بغداد، فاطمیان مصر و امویان اندلس) در گستره جهان اسلام حضور داشتند. از سوی دیگر، قوم ایرانی - اسلامی از هم فروپاشیده و جبهه‌بندی‌های مذهبی شهرهای ایران، این کشور را به صحنه کشاکش شدید مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده بود که البته سیاست خشونت مذهبی غزنویان، در این وضعیت بی‌تأثیر نبود. قم، کاشان، کرج، ساری، نیشابور، سبزوار و ورامین در اختیار شیعیان، و قزوین، اصفهان، همدان، گلپایگان و خوزستان در اختیار اهل سنت قرار داشت. (۱۴)

مقدس نیز در احسن التقاسیم از تعدد و تشتت مذاهب و فرق، در شهرهای ایران خبر داده است. (۱۵) در چنین فضایی و با توجه به روابط خشونت‌آمیز دیرین میان اهل سنت و شیعیان، به‌طور طبیعی احساس نیاز به رفع تخصص را در میان عقلا پدید می‌آورد. بر همین اساس، سلجوقیان به‌رغم تعصب مذهبی، به اقتضای سیاست حکومت‌داری، از استمرار این روند ناخشنود بودند و شواهدی تاریخی بر تمایل آنان به ایجاد نوعی هم‌گرایی اسلامی وجود دارد که البته در این میان، نقش خواجه نظام‌الملک طوسی، در دوره وزارت سی‌ساله خویش، بسیار مؤثر بوده است.

قلمرو گسترده تحت نفوذ سلجوقیان و حمایت و پشتیبانی آنان از مذاهب فراگیر اهل سنت، مبارزه شدید با اقلیت‌های طاغی، چون اسماعیلیان، تأسیس سازمان اطلاع‌رسانی واحد به نام «برید» برای زیر نظر داشتن مستقیم امور کشور و نیز تأسیس مدارس زنجیره‌ای نظامیه، که نوع خاصی از تفکر اسلامی را در نقاط مختلف جهان اسلام ترویج می‌کردند، زمینه‌های اصلی وحدت‌گرایی را فراهم آورده بود. (۱۶) در این میان، نقش دیدگاه‌های شیعه اصولیه، در ایجاد نوعی هم‌گرایی منطقی، با حفظ هویت مستقل گروه‌ها و مبتنی بر پایه‌های فرهنگی، اهمیت خود را بیش از پیش نشان می‌دهد.

گزارش‌های عبدالجلیل رازی، در کتاب نقض در کنار دیگر شواهد تاریخی نشان می‌دهد که شیعه، در دوره مذکور، بر خلاف دوره نخست حکومت سلجوقیان، از عزت و اقتدار نسبتاً خوبی برخوردار بوده و در عرصه‌های مختلف سیاست، علم و تبلیغ، به‌طور جدی فعالیت می‌کرده است. ازدواج خاتون سلقم، دختر سلطان ملک‌شاه، با اسفهد علی شیعی و نیز ازدواج دختر خواجه‌نظام‌الملک با پسر سید مرتضی قمی، عالم بزرگ شیعه در شهر ری، (۱۷) و همچنین گمنامی مؤلف بعض فضائح الروافض، (۱۸) در کنار نالیدن او از زمان و تأسف بر دوره اقتدار خلافت اموی و عباسی (۱۹)، نشانه‌هایی بر این امر است.

وضعیت بد شیعیان در دوره‌های پیشین، به ویژه در عصر غزنویان و آغاز حکومت سلجوقیان، (۲۰) در کنار تشدید اختلافات و نزاع‌های قومی و ایجاد نوعی شکاف عمیق اجتماعی، عقل‌گرایان شیعه را به تقویت جریان اعتدالی شیعه فراخواند و تا اندازه‌ای با موج احساس نیاز شدید گروه‌های مذهبی به انتساب فراگیر به گذشته، در قالب کنفدراسیون اهل سنت و جماعت، همراه ساخته بود. شیعیان در این دوره، پس از گذار از مراحل مختلف تاریخی و در پی افول جریان اعتزال و در نتیجه، فروپاشی ائتلاف شیعه - معتزله که بالاترین حد شکوفایی خویش را در دوره دیلمیان شاهد بود، گویا به دنبال تشکیل جبهه گسترده‌تر و نیرومندتری در برابر مخالفان بودند. از این‌رو، آنان از یک‌سو در اندیشه هم‌گرایی با عموم فرق معتدل اسلامی بودند و از سوی دیگر، تلاش می‌کردند گرایش‌های افراطی را در میان خویش و اهل سنت کنار زنند. بر همین اساس، عناوینی همچون حشویه و غلات - که کم و بیش در آثار متقدمان شیعه، مانند شیخ مفید در تصحیح اعتقادات

الامامیه، (۲۱) سیدمرتضی در مجموعه رسائل (۲۲) و شیخ صدوق در من لایحضر الفقیه (۲۳)، به کار می‌رفت - مورد توجه ویژه مؤلف کتاب نقض قرار گرفته است و وی با قرار دادن آنها در برابر اصطلاح نصب و ناصبی، درصدد دفع و سرکوب هر دو، به‌طور یک‌جا، بر می‌آید. وی با توجه خاص به اصول و مبانی اسلام، که میان بسیاری از فرق اسلامی مشترک است، تلاش می‌کند در کنار معتزلیان، حنفیان، شافعیان و زیدیه، جبهه قدرتمندی در برابر اشعریان و حنبلیان، تحت عنوان عام مجبره و حشویه و اهل بیت و عداوت پدید آورد. (۲۴) تأکید بر عدل، توحید، نفی جبر، تنزیه انبیا و دوستی اهل بیت، با همین هدف دنبال می‌شود. به نمونه‌ای در این باره، از خطبه کتاب نقض توجه کنید:

«هر جوهر محامد... نثار حضرت واجب الوجودی باد که مؤثر در معرفت او بقای تکلیف نظر است و لال باد آن مدبر که گفت: موجب آن معرفت، تقلید و تعلیم و خبر است. آن ملک متعال... منزله از آنکه غبار تهمت جبری و مشبهی و معطلی، جمال کمال او بیالاید - تعالی عما تقوله المجبره و تقدس عما تظن المبتدعه -... حاشا چنان که مذهب مجبران است که سینه پاک او بشکافتند تا بشستند. از اصلاط طیبین و ارحام طاهرات به جهان آمد... آفرین و ثنا از اهل زمین و سما بر آل محمد و پاکان و برگزیدگان و احباب و ازواج و اصحاب او باد ما دار فلک و سبح ملک».

شیخ عبدالجلیل در همین زمینه، با توجه به پیروی سلجوقیان از مذهب حنفی (۲۵) و رواج نسبی این مذهب در شهر ری (۲۶)، محل سکونت وی، تلاش می‌کند پیروان این مذهب را به دو گروه وفادار به مذهب اعتقادی ابوحنیفه و گروه خیانت‌کار تقسیم کرده و در نتیجه، غیر از تضعیف جبهه مخالف، به تقویت جبهه خویش بپردازد. تعبیر «حنفیان نیکو اعتقاد» و «حنفیان محض بی‌خیانت» (۲۷)، در اصطلاح کتاب نقض، به آن دسته از حنفیان اطلاق می‌شود که در اعتقادات نیز همچون فقه، پیرو ابوحنیفه ماندند. می‌دانیم که مذهب اعتقادی ابوحنیفه، با ابتنا بر پایه‌های عقلانی، به دیدگاه اهل عدل و توحید و در ضمن آنان، شیعه نزدیک بوده است. این گروه از حنفیان، در ایران و بیشتر در منطقه عراق عجم و خراسان متمرکز بودند. در برابر آنان، حنفیان عراق، در اثر سیاست‌های برخی از شاگردان ابوحنیفه - و به ویژه، ابویوسف - در نزدیک شدن به حکومت و پیوستن به دیدگاه رسمی و رایج اهل سنت و جماعت، از مذهب اعتقادی ابوحنیفه دست کشیدند و به پیروی از مذهب فقهی وی بسنده کردند. متأسفانه حنفیان گروه نخست، در اثر عوامل گوناگونی، از جمله حمله مغول به ایران، به تدریج از میان رفتند و امروزه خبری از آنان در دست نیست. از همین‌رو، مصحح محترم کتاب نقض، به معنای اصطلاح مزبور دست نیافته است. (۲۸)

در دوره مزبور، شاهد شکل‌گیری دو اصطلاح جدید، در فرهنگ شیعه هستیم. تقسیم شیعه به دو جناح اصولی و اخباری، گویا نخستین‌بار در کتاب نقض صورت گرفته است. (۲۹) شیخ عبدالجلیل، شیعه اصولیه را استمرار

عقل‌گرایان پیشین، از جمله شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، طبرسی و ابوالفتح رازی، می‌داند (۳۰) و از جماعتی گمنام - ولی قابل حدس از گزارش اعتقادانشان در سرتاسر کتاب - تحت عنوان حشویه و غلاة و اخباریان یاد می‌کند که در دوره او مضمحل و نابود شده‌اند. (۳۱) شاخص‌های تفکر مورد نظر وی، به روشنی، در نهج‌البلاغه، کتاب حدیثی مورد پذیرش فقهی اهل سنت، المبسوط، نخستین کتاب فقهی شیعه که به‌طور گسترده به بررسی دیدگاه‌های مذاهب فقهی اهل سنت نیز می‌پردازد و التبیان و مجمع‌البیان، تفاسیری از سنخ جامع‌البیان که جامع همه آرا و دیدگاه‌های تفسیری رایج می‌باشند و البته با تلاش عملی محتاطانه در اثبات دیدگاه مذهبی مورد نظر خویش همراهند، مشاهده می‌شود. در بخش پایانی این نوشتار، به بررسی بیشتر مکتب شیعه اصولیه خواهیم پرداخت؛ اما در اینجا مهم‌ترین شاخصه‌های دیدگاه وحدت‌گرایانه عبدالجلیل رازی را با ذکر نمونه‌هایی از عبارات کتاب نقض بیان می‌کنیم:

الف. نهی و پرهیز از خشونت مذهبی

شیخ عبدالجلیل خصم خود را از هرگونه خشونت مذهبی بر حذر می‌دارد؛ زیرا «اعرف الحق تعرف اهله و جواب جنگ نباشد» (۳۲). در ضمن، او از اتهام تکفیر و تفسیق و القای تهمت‌های مذهبی، سخت بیزار است و آن را بدعتی بر خلاف سنت نیکوی اهل علم می‌شمارد:

«پنداری از عهد خلافت ابوبکر الی هذاالیوم در همه اصحاب سنت، از این مصنف فاضل‌تر و عالم‌تر و متعصب‌تر و مشفق‌تر نبوده است که کتابی بسازد و آن را بعض فضائح الروافض نام نهد. پس فرا می‌نماید که او عالم‌تر و فاضل‌تر از همه متقدمان و متأخران است تا چندین تشیع و دروغ و بهتان بعد از پانصد سال جمع کند و مسلمانان را ملحد خواند و تهمت نهد» (۳۳)

ب. ایجاد جبهه مشترک با دیگر مذاهب اسلامی و پذیرش نوعی تکررگرای مذهبی بر اساس اصول مشترک

عدل و توحید و دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام)

«بحمدالله هیچ مسلمان، منقبت و مدح آل رسول را منکر و جاحد نباشد و بشنوند و دوست ندارد، مگر کسی که مجبر و انتقالی باشد». او بر همین اساس، به نوعی تکررگرای به معنای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مذاهب اسلامی می‌رسد: «... مثالش درین امر به معروف، چنان است که در حکایت می‌آید که جهودی مسلمان شد و هم در ساعت در بازار می‌گذشت و می‌گفت: راه به مسلمان بازدهی... و بندانسته است که مذهب و مقالت اسلامیان مختلف است و پادشاه، راعی و رعیت باشد و راعی را با آفتاب مشابَهت کرده‌اند که بر همه بقاع به نیک و بد به دنیا به حجت ظاهر شود و به قیامت پدید آید محق از مبطل و تقی از شقی و موافق از منافق» (۳۴)

همچنین وی به اصل نجات پیروان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی در قیامت، به شرط اعتقاد به اصول کلی عدل و توحید و تنزیه و دوستی اهل‌بیت و پرهیز از جبر و تشبیه و تعطیل اعتقاد داشته و غیر از آن، برای گسترش مفهوم شیعه و گنجاندن مصادیق بیشتری در ذیل آن تلاش می‌کند:

«امام بوحنیفه کوفی - رضی‌الله عنه ... فضایل اصحاب او را معلوم است که او را منصور کشت به سبب دوستی و پیروی آل رسول... از بزرگان تابعین است و چند صحابی را دیده است؛ چون جابر عبدالله و انس مالک... و همه روایت از محمدباقر و جعفر صادق (علیهما السلام) کند و موحد و عدلی مذهب بوده است و به آل مصطفی تولا کرده است... و با رحمت و جوار خدای باشد. و حدیث شافعی محمد بن ادريس المطبلی و خویش و دوستدار و پیرو آل مصطفی بود - علیه‌السلام - و در کتاب اسامی الرجال شیعت چنین است که او شیعی بوده و اشعار و ابیات پدید آمده است که مردم در مذهب بوحنیفه و شافعی خلاف کردند... تقریر خلافت ولد‌العباس، بومسلم شیعی کرد». (۳۵)

«و ائمه قرائت، بیشتر عدلی مذهب باشند که قرآن بر اثبات توحید و عدل منزل است نه بر جبر و تشبیه و تعطیل. اما جماعتی که بی‌شبهه شیعی مذهب بودند، عاصم است و کسایب و حمزه و باقیان از حجازی و شامی، همه عدلی مذهب بودند؛ نه مجبر بوده‌اند و نه مشبهی، که در آن روزگار، مذهب مجبری هنوز نیافته بودند. و اما زهاد و عباد و اهل اشارت و اهل موعظت، همه عدلی مذهب بوده‌اند و مذهب سلف صالح گفته‌اند و از جبر و تشبیه تبرا کرده‌اند؛ چون عمر و عبید و واصل عطا و حسن بصری و شیخ بوبکر شبلی و جنید و شیخ روزگار، بایزید بسطامی، و بوسعید بوالخیر. و شیعه در این جماعت، ظن نیکو دارند از بهر آن که عدلی و معتقد بوده‌اند و جماعتی از آن طایفه، که بلاشبهه شیعی مذهب منصور عمار... و از ائمه لغت، خلیل احمد شیعی بوده است و ابن‌السکیت، صاحب اصلاح‌المنطق و سیبویه و عثمان جنی... و شیخ بوجعفر طوسی در کتاب اسماء‌الرجال آورده است؛ و کان محمد بن ادريس الشافعی من اصحابنا... زبیده زن هارون الرشید - رحمة‌الله علیها - شیعه و معتقد بوده است... فضل بن سهل ذوالریاستین، که وزیر مأمون بود،... فردوسی طوسی شیعی بوده است... و در کسایب خود خلافتی نیست... و خواجه نسایی غزنوی...». (۳۶)

از دیگر تلاش‌های عبدالجلیل رازی برای تقریب مذاهب اسلامی، نشان دادن مجموعه بزرگ و روایات مشترک میان آنها است، که زمینه مناسبی را برای تفاهم برقرار کرده است و اگر اختلافی نیز در کار باشد، از نظر تأویل روایات است که آن نیز پذیرفتنی است:

«هیچ خبر نباشد که شیعه از ائمه خود روایت کنند و الا در آن روایات، بسیاری از اصحاب بوحنیفه و شافعی ایشان را موافق باشند در آن الفاظ و در بیشتر معانی. اگر خلافتی باشد در بهری، در تأویل خبر باشد نه در لفظ و اگر بدان اخبار که متفق علیهاست مشغول شویم، احتمال نکنند». (۳۷)

جمع‌آوری روایات مشترک شیعه و سنی از مهم‌ترین عوامل ایجاد وحدت فرهنگی میان مذاهب اسلامی است که متأسفانه چندان مورد توجه دست‌اندرکاران این امر قرار نگرفته است؛ جز بخش مختصری از آن که توسط شیخ محمود قانصوه و به سفارش مرتضی عاملی تهیه شده و روابط بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی آن را منتشر کرده است.

ج. احترام به صحابه و خلفا و پرهیز از لعن و ناسزا گفتن به آنان

«اما ثنا بر خلفا بر آن انکاری نیست، بزرگان دین‌اند؛ از مهاجر و انصار و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان - رضی‌الله عنهم... (۳۸) و اما ترجم بولولو و شتم صحابه، که در مواضع این کتاب به تشنیع یاد کرده است، دعوی بی‌حجت است و حالتی بی‌برهان و نقلی نادرست... سرمایه مذهب رافضیان، بیشتر از دو چیز نیست: بهتان بر سلف صالح و تبرا از ایشان... نمی‌دانم که این حوالت به کدام ناقل است و این اشارت به کدام کتاب است...» (۳۹)

وی در جای دیگر، در پاسخ این اتهام که شیعه با صحابه رسول و سلف صالح و زنان رسول دشمن است، می‌نویسد: «هر ترک و تازی و عامی که این فصل بخواند یا بشنود، گمان برد که این مذهب شیعه است و خدای تعالی عالم است که برین وجه، نه مذهب امامی تان اصولی است و اگر اخباری یا حشوی‌ای یا غالی‌ای چیزی بگوید و نقلی نادرست افتد، بر اصولیه بستن غایت بی‌امانتی و نامسلمانی باشد... اما شبهت نیست که شیعه اصولیه مرتبت هر یک از این جماعت به اندازه گوید. گویند: علی بهتر است از ابوبکر و حسن از عمر و حسین از عثمان و فاطمه از عایشه و خدیجه از حفصه و صادق از ابوحنیفه و کاظم از شافعی و امامت ابوبکر و عمر اختیار خلق گویند و امامت علی علیه‌السلام و اولادش نص داند از فعل خدا، و عاقلان دانند که این نه دشمنی بوبکر و عمر است و نه دشنام و بد گفتن صحابه و تابعین و اگر بر خلاف این حوالتی هست بر حشویه و غلات است؛ نه بر اصولیان» (۴۰)

همان‌گونه که از بخش پایانی این سخن بر می‌آید، عبدالجلیل به‌رغم احترام به صحابه و خلفا موضع شیعی خویش را به‌طور کامل حفظ می‌کند و مشروعیت خلافت آنان را نمی‌پذیرد: «مذهب شیعت در حق صحابه، کفر و شرک نیست؛ آن است که با وجود امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بوبکر و غیر بوبکر را استحقاق امامت نیست به فقد شرایط موجب» (۴۱) وی با این طرز تفکر، به تألیف کتابی تحت عنوان تنزیه عایشه می‌پردازد که احتمالاً درباره رفع اتهام قذف از عایشه در قرآن بوده است، اما بر خلاف نظر میرزا عبدالله افندی، (۴۲) هرچند شیخ عبدالجلیل رازی تنها به رفع اتهام قذف از عایشه نمی‌پردازد، بلکه در خطبه کتاب و همچنین در صفحه ۲۹۶ بر وی در زمره زنان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درود می‌فرستد و در صفحه ۵۱۹ او را می‌ستاید. با این حال، توبه را بر عایشه در ماجرای مخالفت با علی علیه‌السلام واجب می‌شمارد و او را در جریان ممانعت

از دفن امام حسن علیه‌السلام کنار پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مورد مذمت قرار می‌دهد. (۴۳) جالب آن که وی شعری در مدح خلفا از یکی از بزرگان شیعه نقل می‌کند؛ بی‌آنکه نقدی یا اعتراضی بر آن وارد آورد:

«و اما خواجه بوتراب دوریستی قدس سره پسر خواجه حسن بود... و این خواجه حسن با نظام‌الملک حق خدمت و صحبت و الفت داشته و در حق او مدح گفته و به شتامی و لعانی چون موسوم باشد آن را که قصیده‌ها باشد در فضایل صحابه کبار:

منه بری و القاه من اللعنا	من قال فیک ابابکر خنی فانا
والمستعان به فی کل ما امتحمتنا	صهر النبی و ثانیه و صاحبه
و صاحبنا لرسول الله مؤتمنا	قد کان شیخا لاهل الدین معتمدا
فی الغارثم هما فی موضع دفنا	کانا معا و هما حیان و اصطحبا
والقرم عثمان علی من اتی بزنا	ام من یقول لفاروق الهدی قدعا
کالشمس تبهر اعلام النجومه سنی	والا لمعی علی فی مائره
حتی الحسین ابنه و المجتبی حسنا	اثنی علیهم و اوصی من اری بهم
یوم الجزاء فقل لی ان تری حسنا (۴۴)	هذاک دینی الذی القی الاله به

شیخ عبدالجلیل تنها از این عادت مخالفان به خشم می‌آید که گاهی به دشمنان اهل‌بیت اظهار محبت کرده و یا از ذکر فضایل اهل‌بیت اجتناب می‌کنند: «آنچه گفته است که فتح دیار گیرکان و دیار کافران در عهد عمر خطاب بود، چنین است و بر این قول انکار نیست؛ اما از ذکر اسامی مبارزان و نیاکان که جهاد کرده‌اند و غزوات و فتح‌ها به دست و تیغ ایشان بر آمده است، همچنین است و بوده است - جزاهم الله عن الاسلام و المسلمین خیرا - ... و از غایت ناصبی‌ای خارجی‌ای امیرالمؤمنین را یاد نکرده است... اما خالد، پسر ولید مغیره، که دشمن مصطفی است و سعد پدر عمر است که سر حسین علی بریده است و شرحبیل مشیر معاویه است، در کشتن حسن علی و خواجه فریضه شناسد نام ایشان به نیکی یاد کردن و اما نوبت چون به علی و آل او رسد، بغض مادرآورش رها نکنند». (۴۵) «و حدیث فضل و منقبت عمر و فتح‌های بلاد و آثار اسلام همه معلوم است و شیعه آن را انکار نکرده‌اند؛ اما این مصنف را ممکن نیست که در این کتاب فصلی در فضل صحابه بگفته باشد؛ بی‌منقصتی از آن علی مرتضی». (۴۶)

د. نقد یا توجیه روایات و معتقدات اختلاف‌برانگیز شیعه

شیخ عبدالجلیل در مقام دفاع از اتهام خصم، به نقد برخی از روایات و معتقدات و احکام فقهی شیعه می‌پردازد که یا اسناد آنها به شیعه دروغ محض است و یا اعتبار و درستی آنها از نظر شیعه اصولیه مردود است. روایات همراهی ابوبکر با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به هنگام هجرت از مکه، به دلیل هراس پیامبر

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از خیانت وی؛ مشارکت عمر، ابوبکر و برخی از صحابه در ماجرای ترور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عقبه؛ تأویل برخی از آیات عذاب کافران درباره ابوبکر و عمر؛ احادیث ارتداد همه مسلمانان پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جز چند نفر معدود؛ گواهی «شاهد ان علیا ولی‌الله» در اذان و... از این قبیل است که نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم:

«آنکه گفته است... علی بن ابراهیم، که از روافض متقدم بوده است، می‌گوید در تأویل این آیت که «ربنا ارننا الذین اضلنا من الجن و الانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین» این دو کس... یکی بوبکر است و یکی عمر، که بنای خلافت به ظلم ایشان نهادند. اما جواب این کلمات آن است که بر هیچ دانشمند و دانا پوشیده نماند که بهتان، زور و کذب است که حوالت کرده است از چند وجه... و بر شیعت آن حجت باشد که در تفسیر محمدباقر علیه‌السلام و در تفسیر الحسن‌العسکری علیه‌السلام باشد و در تفسیر شیخ بوجعفر طوسی و محمدفتال نیشابوری و ابوعلی طبرسی و خواجه‌بوالفتح رازی باشد - رحمه‌الله‌علیهم - که معروف و معتبر و معتمدند و این قول خطا است و حوالتی به دروغ است». (۴۷)

جالب آنکه وی در سرتاسر کتاب، هیچ‌گاه از تفسیر علی بن ابراهیم قمی و تفسیر عیاشی، که شامل مجموعه‌ای از این قبیل تفاسیر و روایات هستند، ذکری به میان نمی‌آورد و از آنها در زمره منابع معتبر شیعه اصولیه یاد نمی‌کند. اما نمونه‌ای از احکام فقهی: «به مذهب شیعت، اگر چه علی علیه‌السلام را نصّ و معصوم و بهتر از هر یک از امت گویند، مذهب ایشان چنین است که اگر در میان فصول بانگ نماز، بعد از شهادتین کسی گوید: اشهد ان علیا ولی‌الله، بانگ نمازش باطل باشد و با سر باید گرفت و نام علی علیه‌السلام در بانگ نماز بدعت است و به اعتقاد کردن معصیت...». (۴۸) این دیدگاه را شیخ محمد خالصی از علمای اصلاح‌طلب و معاصر در نجف نیز داشته است. (۴۹)

توجیه عبدالجلیل رازی از ماجرای حمله به خانه حضرت فاطمه (علیها‌السلام) تاحدی، شگفت‌انگیز و بی‌سابقه است: «... این خبری است درست و برین وجه نقل کرده‌اند و در کتب شیعی و سنی مذکور و مسطور است. اما خبر مصطفی است که انما الاعمال بالنیات... ممکن که خود نداند که فاطمه در پس ایستاده است. اگر چنین باشد، آن را قتل خطا گویند و اگر هم عمدا باشد، نه معصوم است. حاکم خداست در آن؛ نه ما و در این فصل، بیش از این نتوان گفت واللّه اعلم باعمال عباد و بضائهم و بسرائهم» (۵۰). البته نوعی تاریخ‌گریزی در این سخن شیخ عبدالجلیل مشهود است که نمونه آن در میان علمای اصلاح‌طلب متأخر نیز به چشم می‌خورد. (۵۱)

۵. نقد غلو شیعی

عبدالجلیل رازی در مقام دفاع از موضع شیعه اصولیه، در بسیاری از موارد، به نقد برخی اعتقادات گروهی از شیعیان می‌پردازد که به نظر وی عقائدی غالیانه به شمار می‌روند. وی درباره مقام و درجه امام علی علیه‌السلام

می‌نویسد: «از کتب شیعه اصولیه معلوم است که ایشان را مذهب نیست و نبوده است که درجه امیرالمؤمنین چون درجه انبیاست... و بهری از حشویه و اخباریه را در سلف مذهب بوده است که علی بهتر است از بهری انبیا که غیر اوالعزمان و مرسلان‌اند، و آن مذهبی مردود است و نامقبول و سخن بی‌دلیل و بی‌فایده و نه مذهب اصولیان شیعه است.» (۵۲)

وی در برابر این ایراد خصم که شیعه معتقدند «امامان همه غیبت‌دانان باشند، در گور همه غیبت‌دانند تا بدان حد که کسی به زیارت ایشان شود، بدانند که موافق کیست و منافق کیست و عدد نام‌ها و گام‌ها همه دانند...»، چنین پاسخ می‌دهد: «جواب این کلمات، که خالی است از معنا و دور است از عقل و بر خلاف نقل و شرع، آن است که از نص قرآن و اجماع مسلمانان معلوم که غیب الا‌خدای ندانند... و مصطفی با جلالت و درجه نبوت، در مسجد مدینه زنده ندانستی که بر بازار چه می‌کنند و احوال‌های دگر تا جبرئیل نیامدی معلوم وی نشدی. پس ائمه، که درجه انبیا ندارند، در خاک خوراسان و بغداد و حجاز و کربلا خفته و از قید حیات برفته، چگونه دانند که احوال جهانیان بر چه حد است. این معنا هم از عقل دور است و هم از شرع بیگانه و جماعتی حشویان، که پیش از این خود را بر این طایفه بستند، این معنا گفته‌اند و بحمدالله از ایشان بسی نامنده‌اند و اصولیان شیعت از ایشان و از چنین دعاوی تبرا کرده‌اند.» (۵۳)

همچنین وی به‌رغم پذیرش اصل رجعت، به نقد روایاتی می‌پردازد مبنی بر اینکه دشمنان اهل‌بیت در عهد امام زمان (عج) زنده شده و عذاب خواهند گشت: «اما آن‌چه گفته شد که پیش از قیامت، یزید و زیاد و خوارج باز زنده کنند و بکشند، اصلی ندارد و از جمله خرافات و ترهات باشد و با اصول راست نیست، بلکه به قیامت زنده شوند...» (۵۴)

بررسی نسبت مکتب شیعه اصولیه با دیگر مکاتب و دیدگاه‌های مطرح در تاریخ تشیع، خود نیاز به بحث مفصلی دارد که در این‌جا به اختصار در این باره بحث می‌کنیم؛ مطالعه شرح حال علمای ری در کتاب الفهرست منتجب‌الدین رازی، نشان می‌دهد که میزان حضور علمای بغداد در میان اساتید آنان، به حدی بوده که می‌توان مدرسه ری را در دوره مذکور، استمرار مکتب بغداد دانست و می‌دانیم که در دوره‌های پیشین دو مکتب بغداد و قم در جهان تشیع، دو نقطه مقابل به شمار می‌رفتند. شیخ صدوق به بغدادیان اتهام غلو و اعتقاد به تفویض وارد می‌ساخت (۵۵) و در مقابل، شیخ مفید و سید مرتضی، قمی‌ها را اهل تقصیر در حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان خوانده و از آنان به حشویه و گاه مشبهه و مجبره یاد می‌کردند. (۵۶) دیدگاه‌های ویژه قمی‌ها در مسأله سهوالنبی، علم اکتسابی امام و عالم ذر، که مبتنی بر برخی روایات بود، بر علمای عقل‌گرای بغداد سنگین می‌آمد و آنان را به رد یا تأویل احادیث مزبور وا می‌داشت. (۵۷)

غیر از این دو مکتب، دیدگاه‌های دیگری نیز در میان شیعیان نخستین وجود داشته است. شهید ثانی با استناد به کتاب ابی‌عمر و کشی به دیدگاه رایج میان بسیاری از شیعیان و راویان احادیث در عصر حضور، اشاره می‌کند که اعتقادی به عصمت امامان نداشته و آنان را فقط عالمانی واجب‌الاطاعه می‌شمردند. (۵۸) عقاید دیگری نیز به فضل بن شاذان، متکلم بزرگ شیعی در نیشابور، نسبت داده شده که از دیدگاه بسیاری از شیعیان آن روز، عقایدی انحرافی به شمار می‌رفت. همچنین از وی مخالفت‌های تند و شدیدی با عقاید غالبانه شیعیان نیشابور گزارش شده است. بنابراین گزارش‌ها، که البته برخی از علمای بعدی شیعه درباره درستی آنها سخن دارند، وی علم امامان علیه‌السلام را اکتسابی، و جانشین حضرت ابراهیم علیه‌السلام را از جانشین حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم افضل می‌دانست. (۵۹) دو کتاب الرد علی‌الغالیه و الرد علی‌الحشویه نیز در زمره تألیفات وی ذکر شده است. (۶۰)

همچنین وی در کتاب الايضاح، اختلاف شیعه و سنی را درباره خلفاء، تنها در حد برتری دادن حضرت علی علیه‌السلام بر شیخین تصویر می‌کند و هرگونه اتهام لعن و ناسزا را نمی‌پذیرد. (۶۱) افزون بر این، شیخ صدوق وی را به پذیرش اعتبار قیاس متهم ساخته و بر او در این باره خرده می‌گیرد. (۶۲) جالب آنکه وی خود را بازمانده مدرسه هشام بن حکم از طریق یونس بن عبدالرحمان معرفی می‌کند. (۶۳) دیدگاه اعتبار قیاس پیش از فضل، نزد یونس بن عبدالرحمان نیز مطرح بوده و پس از وی نیز به وسیله ابن جنید دنبال شد؛ تا آن‌جا که او در میان فقهای شیعه، به عنوان نظریه‌پرداز حجیت قیاس در فقه شیعه شناخته شد و به همین علت، در معرض حملات شدید فقهای پس از خود قرار گرفت. (۶۴)

به هر رو، از این بحث مختصر، مشخص می‌شود که برخی دیدگاه‌های شیعه اصولیه، چندان نیز تازه و بی‌سابقه در تاریخ تشیع نبوده است. انتقاد عبدالجلیل رازی از غلو و حشویت - که علمای بغداد و قم، هر یک دیگری را به یکی از آن دو متهم می‌کردند - در کنار تسامح مذهبی او در برخی معتقدات شیعه، نشان از این واقعیت دارد که اصولیان مورد نظر وی، در عین هماهنگی فراوان دیدگاه‌هایشان با مکتب بغداد، در برخی دیگر از این مسائل، مانند علم امام، از مکتب قم و گاه دیدگاه‌های دیگر در حوزه جهان تشیع تأثیر پذیرفته‌اند. همان‌گونه که عبدالجلیل رازی از هر دو گرایش غلو بغدادی و حشویت و اخباریگری قمی گریزان بوده، این دو جریان، در دوره صفویه، در یکدیگر ادغام شدند و تحت تأثیر نزاع مستمر صفویان شیعی مذهب با عثمانیان سنی مذهب، چهره‌ای ویژه به تفکر شیعی بخشیدند که آثار خود را تا کنون در حوزه‌های مختلف اندیشه شیعی بر جای گذاشته است. (۶۵) جلوه‌های اجتماعی این نوع تفکر شیعی نیز به اندازه‌ای است که توجه برخی پژوهشگران اجتماعی معاصر را به خود جلب کرده است. (۶۶)

دیدگاه منطقی، منصفانه و هم‌گرایانه شیعه اصولیه، بدون شک، در جریان تقریب مذاهب اسلامی و راه یافتن برخی آداب و رسوم شیعی، مانند عزاداری امام حسین علیه‌السلام به جوامع سنی (۶۷) و از میان رفتن جریان‌های افراطی اهل تسنن، تحت عنوان اهل نصب و عداوت، که مؤلف بعضی فضاخ‌الروافض از ایشان بود، (۶۸) بی‌تأثیر نبوده است؛ همان‌گونه که پس از این دوره، شاهد شکل‌گیری پدیده‌ای تحت عنوان «دوازده‌امامی» در ایران هستیم که در آثار بسیاری از بزرگان پیش از صفویه، مانند حمدالله مستوفی (دق ۸) در تاریخ گزیده، فضل‌بن روزبهان بقلی (دق ۱۰) در وسیلة‌الخادم الی‌المخدوم، در شرح صلوات چهارده معصوم و جامی، شاعر معروف (د ۸۹۸) در اشعارش و ملاکاشفی، (د ۹۱۰) صاحب روضة‌الواعضین به روشنی نمود دارد. این پدیده، حتی در دیگر مناطق جهان اسلام نیز رواج داشته است که از باب نمونه می‌توان به کتاب‌های تذکرة‌الخواص سبط ابن جوزی (دق ۷)؛ مطالب السؤؤل فی مناقب آل الرسول محمد بن طلحه شافعی (د ۶۵۲ ق)، کفایت الطالب گنجی شافعی (د ۶۵۸ ق) معالم‌العشرة النبویة و معارف اهل‌البيت الفاطمیة، در شرح حال امامان تا امام دوازدهم، از ابومحمد مبارک حنبلی جنابذی (د ۶۱۱ ق)؛ الفصول المهمة فی معرفة احوال ابن صباغ مالکی (د ۸۵۵ ق) و الشذرات الذهبیة فی تراجم الائمة اثنی عشریة عند الامیة از محمدبن طولون (د ۹۵۳ ق) اشاره کرد.

بی‌تردید در این دوره، جریان اعتدالی شیعه - جدا از صحت و سقم اعتقاداتشان - در گسترش مذهب تشیع در ایران و فراهم آوردن زمینه مناسبی برای رسمیت بخشیدن صفویه به آن، نقش و تأثیر داشته است. جالب آنکه خاندان صفوی، خود نیز مرحله دگردیسی از تسنن را طی کرده‌اند. (۶۹)

در پایان، گفتنی است که آثار دیگری از اصولیان شیعه در دوره مزبور و پس از آن، در دسترس است که آقای رسول جعفریان در کتابی تحت عنوان اندیشه تفاهم مذهبی در قرن هفتم و هشتم، به معرفی برخی از آنها پرداخته است.

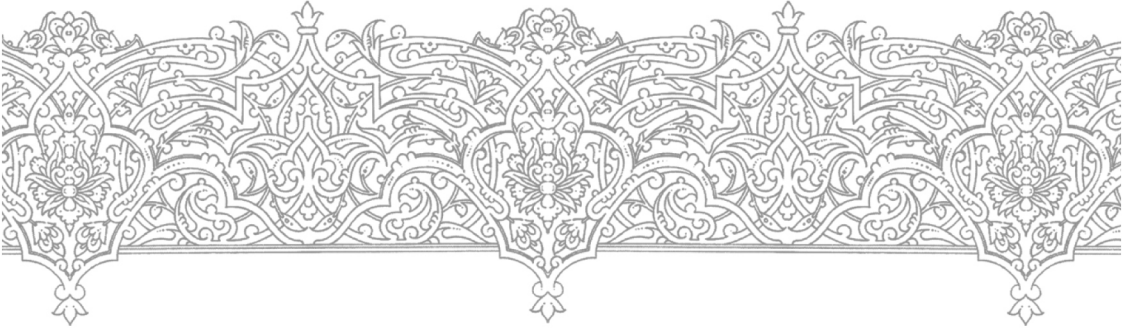
پانوش:

۱. برای تفصیل بیشتر در این باره ر ک: محمدابوالقاسم حاج حمد، العالمیة الاسلامیة تقرب، کنفرانس هشتم وحدت اسلامی. استراتژی وحدت دراندیشه سیاسی اسلام، ج الثانية، دارابن‌جزم، بیروت، ۱۹۹۶.
۲. در این باره ر ک: توماس آرنولد، تاریخ اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث»، ۹. مغنیه، محمد جواد، نظرات فی التصوف و گسترش اسلام، چاپ دانشگاه تهران. انتشارات رضی، ج ۱، ص ۱۲۰ به نقل از الکرامات؛ المکتبه الاهلیة، بیروت، ص ۱۸.
۳. نک: عبدالهادی حائری، ایران و جهان روضات‌الجنات خوانساری آورده است. ۱۰. مثنوی معنوی، منازعت چهار کس اسلام، آستان قدس، صص ۲۲ - ۳۱.
۴. نک: سید احمد موثقی، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «اصلاح‌طلبی» ج ۱، ص ۲۸۷ - ۳۷۲؛ ایران و جهان اسلام، رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، صص ۱۲۵-۱۴۴.
۱۱. نک: شیخ مفید، اوائل المقالات؛ دارالمفید، بیروت، ص ۳۲۹؛ فیض کاشانی، تفسیر صافی؛ مکتبه الصدر، تهران، ۱۹۵-۲۸۰ و ۳۳۰-۳۷۲.

- ج ۱، ص ۶۲؛ خوبی، البیان؛ دارالزهراء، و به خصوص عدلیه در خصوص مباحث چبر و تشبیه بوده است. برای مطالعه درباره تأثیر ابن‌حنبل در تعدیل اهل سنت ر ک: رسول جعفریان، نقش احمد بن حنبل در تعدیل اهل سنت در مجموعه مقالات تاریخی دفتر ششم، نشر الهادی، قم ۱۳۷۸.
۲۵. ایران و جهان اسلام، صص ۲۲ و ۲۴.
۲۶. النقض، پیشین، ص ۴۵۹.
۲۷. برای نمونه نک: النقض، پیشین، صص ۳۴۴ و ۵۵۱.
۲۸. استاد محترم جناب آقای دکتر پاکتچی برای نخستین بار مفهوم این اصطلاح را در مقاله ابوحنیفه دایره‌المعارف بزرگ اسلامی توضیح داده‌اند.
۲۹. برای نمونه نک: النقض، پیشین، صص ۵۲۹، ۵۲۸، ۳۳۵.
۳۰. برای نمونه نک: النقض، پیشین، صص ۲۶۳.
۳۱. برای نمونه نک: النقض، پیشین، صص ۲۸۶ و ۵۶۸-۵۶۹.
۳۲. النقض، پیشین، صص ۱۴۷.
۳۳. النقض، پیشین، صص ۱۶۲.
۳۴. النقض، پیشین، صص ۶۳-۶۴.
۳۵. النقض، پیشین، صص ۱۵۹-۱۶۰.
۳۶. النقض، پیشین، صص ۲۱۲-۲۱۳.
۳۷. النقض، پیشین، صص ۳۱.
۳۸. النقض، پیشین، صص ۱۱.
۳۹. النقض، پیشین، صص ۱۵-۱۶.
۴۰. النقض، پیشین، صص ۲۳۵-۲۳۶.
۴۱. النقض، پیشین، صص ۲۵۷.
۴۲. افندی، ریاض‌العلماء؛ باب‌العین، شرح حال عبدالجلیل رازی
۴۳. النقض، پیشین، صص ۶۳۹.
۴۴. النقض، پیشین، صص ۱۴۵-۱۴۶.
۴۵. النقض، پیشین، صص ۱۴۹-۱۵۰.
۴۶. النقض، پیشین، صص ۱۷۷.
- ۴۷ و ۴۸. النقض، پیشین، صص ۲۶۲-۲۶۳ و صص ۹۷.
۴۹. ابراهیم حیدری، تراجیدیا کر بلا سوسیولوژیال‌الخطاب الشیعی، دارالساقی، ۱۹۹۹، صص ۴۵۷.
۵۰. النقض، پیشین، صص ۲۹۸.
۵۱. برای نمونه نک: شوکانی، الرسائل السلفية؛ رساله «ارشاد السائل الی دلیل المسائل».
۵۲. النقض، پیشین، صص ۵۲۸-۵۲۹.
۵۳. النقض، پیشین، صص ۲۸۵-۲۸۶.
۵۴. النقض، پیشین، صص ۲۸۷.
- ج ۱، ص ۶۲؛ خوبی، البیان؛ دارالزهراء، بیروت، صص ۱۶۷-۱۶۸.
۱۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل، النقض؛ صص ۴-۲.
۱۳. در این باره به‌طور مفصل ر ک: ترجمه مؤلف کتاب‌النقضدر مقدمه کتاب و تعلیقه ۲۰۴ محدث ارموی.
۱۴. نک: کتاب النقض، صص ۲۷۶-۲۷۸، ۴۳۶-۴۳۸، صص ۵۷۷ و تعلیقه نقض صص ۱۳۰۹.
۱۵. مقدسی، احسن التقاسیم؛ وزارت الثقافة، دمشق، صص ۲۳۶-۲۳۸ و ۲۶۶-۲۶۷.
۱۶. ایران و جهان اسلام، صص ۲۲-۲۷.
۱۷. النقض، پیشین، صص ۱۰۸، ۲۶۱.
۱۸. شیخ عبدالجلیل در صفحه ۵ النقض می‌نویسد: «بر پشت مجموعه نام مصنف نباشد.» اما میرزا افندی در ریاض‌العلماء باب العین در شرح حال عبدالجلیل رازی بر مبنای قرائتی حدس زده است که مؤلف بعضی فضائل الروافض، شهاب‌الدین تواریتی رازی از خاندان بنی‌مشاط است. جالب توجه آن که ابوالفضل مشاط مؤلف زلزله‌الانبیاء در برابر تنزیه الانبیاء سید مرتضی نیز از این خاندان است. البته مؤلف بعضی فضائل الروافض خود در کتاب خویش از اثر دیگرش به نام «تاریخ الایام و الانام» یاد می‌کند که شیخ عبدالجلیل نیز با آن آشنا بوده است؛ در عین حال مؤلف مزبور از آوردن نام خوش بر جلد کتاب اجتناب ورزیده است.
۱۹. النقض، پیشین، صص ۳۱ و ۶۳.
۲۰. نک: النقض، پیشین، صص ۴۴، ۴۲، ۴۱، ۳۴-۷۹.
۲۱. شیخ مفید، تصحیح‌اعتقادات اسلامی؛ دارالمفید، بیروت، صص ۱۳۳، ۱۱۴، ۱۱۳، ۸۱.
۲۲. الشریف المرتضی، رسائل المرتضی؛ دارالقرآن، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۵۷ و ج ۳، صص ۳۱۰.
۲۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه؛ جامعه مدرسین، ج ۱، صص ۲۵۹، ج ۴، صص ۵۴۹.
۲۴. البته احمد بن حنبل در خصوص محبت اهل بیت تلاش‌هایی ستودنی در تعدیل عثمانی‌گری افراطی برخی اهل سنت از خود نشان داده که در فضایل فراوان اهل بیت در دو مجمه مسند و فضائل الصحابه نده یافته است. با این حال جبهه حنبلی تا سال‌ها بعد از وی یکی از محورهای دشمنی با شیعه



المجمع الدولي للأمة الواحدة
INTERNATIONAL UNION OF UNIFIED UMMAH
اتحاديه بين المللى امت واحده



واحد فرهنگى و آموزش
اتحاديه بين المللى امّت واحده
با همکارى مجله الكترونيكى اخوت
www.unified-ummah.com
www.okhowah.com